

تحلیل نظام‌مند چالش‌های فقهی خلق پول در نظام بانکداری

نوع مقاله: پژوهشی

علیرضا نواب پور^۱

محمد طالبی^۲

حسین حسن‌زاده‌سروستانی^۳

محمد اسماعیل توسلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۸

چکیده

موضوع‌شناسی دقیق و فهم دقیق فرآیند خلق پول و اعتبار در نظام بانکی مبتنی بر مدل‌ها و نظریه‌های معتبر و واقعی، مقدمه بسیار مهم برای ارائه احکام فقهی پیرامون بانکداری اسلامی و طراحی نظام بانکداری اسلامی است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل چالش‌های فقهی خلق پول در نظام بانکداری متعارف با در نظر داشت نظریه خالق اعتبار شکل گرفته است. پژوهش حاضر با استفاده از مرور نظام‌مند ادبیات، تمامی آثار علمی داخلی و بین‌المللی مرتبط با مسئله اصلی پژوهش را با طراحی پروتکل‌های دقیق جستجو، شناسایی کرد. در مرحله اول تعداد ۸۰۶ مقاله انتخاب شدند که پس از طی فرآیند غربالگری بر اساس روش پریزما، تعداد ۱۵۲ مقاله باقی ماند که متمرکز بر چالش‌های فقهی خلق پول بودند. از این تعداد مقاله تعداد ۴۹ مقاله، نظریه و مدل خالق اعتبار را پذیرفته بودند که چالش‌های فقهی از این مقالات استخراج شدند. با تحلیل چالش‌های بیان شده در آثار علمی منتخب، در نهایت، چالش‌های فقهی خلق پول در ۱۰ محور شامل تعارض و تضاد فرآیند خلق پول با قواعد و احکام فقهی همچون قاعده لاضرر، غرری بودن خلق پول، قاعده قسط و عدل (عدالت اجتماعی)، قاعده حرمت ربا (ربوی بودن خلق پول از طریق بدهی بدون پشتوانه)، قاعده احترام مال مسلم (حفظ حقوق مالکیت) و غیره دسته‌بندی شدند.

۱ دانشجوی دکتری، مهندسی مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسول)
a.navabpour@isu.ac.ir

۲ استادیار گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
talebi@isu.ac.ir

۳ استادیار گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
h.hasanzadeh@isu.ac.ir

۴ استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران
metavassoli@atu.ac.ir

واژگان کلیدی: بانکداری، خلق پول، نظریه خالق اعتبار، بانکداری اسلامی، قواعد فقهی
طبقه بندی JEL: E42, G21, P51



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

خلق پول به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اقتصاد و نظام‌های بانکی، توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است (دینچ، سایتی و چاکیرا، ۲۰۱۸). خلق پول تأثیر مستقیمی بر فعالیت‌های اقتصادی، تورم و ثبات مالی دارد (جهان، ۲۰۱۳؛ ایکمن، هالدین و کاتاکیس، ۲۰۱۹). ارتباط بین خلق پول و چرخه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است (بل و لاووی، ۲۰۲۰). طبق گفته کوه (۲۰۱۸)، میزان پول در گردش یک عامل تعیین‌کننده در رشد اقتصادی و رکود است (کوه، ۲۰۱۸). در دوره‌های رونق اقتصادی، خلق پول بیشتر می‌تواند منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف شود (ورای، ۲۰۲۰). با این حال، زمانی که خلق پول بیش از حد باشد، می‌تواند فشارهای تورمی، حباب‌های دارایی و در نهایت بحران‌های مالی ایجاد کند (جوردا، شولاریک و تیلور، ۲۰۲۰). از سوی دیگر خلق بی‌رویه اعتبار توسط بانک‌ها بدون نظارت یا تنظیمات کافی می‌تواند منجر به ریسک نظام‌مند و فروپاشی مالی شود. این بحران نیاز به نظارت شدیدتر بر بخش بانکی و ابزارهای پولی مؤثرتر برای مدیریت خلق پول را برجسته کرد (آیکمن و همکاران، ۲۰۱۹). نکته مهم دیگر این است که خلق پول در نظام‌های بانکداری مدرن فرآیندی پیچیده و چندوجهی است (لاووی و استوکهمر، ۲۰۲۰). در حالی که بانک‌های مرکزی عرضه پول را برای حفظ ثبات اقتصادی مدیریت می‌کنند (مک‌لی، رادیا و توماس، ۲۰۲۰). نقش بانک‌های تجاری در خلق اعتبار از طریق اعطای وام و افزایش نقش مؤسسات مالی غیربانکی، سیستم را پیچیده‌تر کرده است (ریکس، ۲۰۲۱). شناخت دقیق ماهیت خلق پول به ویژه در بستر نظام‌های اقتصادی اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عیسوی، ۱۴۰۲؛ صدیق، ۲۰۲۲). در تحلیل‌های اسلامی، فرآیند خلق پول باید با اصول شریعت و احکام فقهی تطابق داشته باشد و این موضوع امری حیاتی و مهم است که مقدمه آن

۱ Dinç, Saiti & Çakır

۲ Jha

۳ Aikman, Haldane, & Katakis

۴ Bell & Lavoie

۵ Koo

۶ Wray

۷ Jorda, Schularick, & Taylor

۸ Aikman et al

۹ Lavoie & Stockhammer

۱۰ McLeay, Radia, & Thomas

۱۱ Ricks

۱۲ Siddique

فهم دقیق فرآیند، ساختار و شیوه خلق پول در نظام بانکداری متعارف است (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵؛ الهام و همکاران، ۱۴۰۲). از این‌رو، ارائه حکم فقهی در خصوص خلق پول در نظام بانکی و تدوین قانون بانکداری اسلامی، نیازمند درک عمیق از این فرآیند و پیامدهای آن در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی است.

طبق آموزه‌های فقهی، خلق پول در نظام اقتصادی و بانکداری باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که با اصول شریعت و قواعد فقهی مانند عدالت، غرری نبودن، حفظ نظام و... سازگار باشد. از این‌رو، درک ماهیت دقیق خلق پول از طریق نظریات معتبر و تجزیه و تحلیل دقیق این فرآیند پیش از ارائه حکم فقهی ضروری است. با توجه به اهمیت تحلیل دقیق فرآیند خلق پول در نظام‌های اقتصادی، نظریه «خالق اعتبار» به عنوان یکی از دقیق‌ترین و معتبرترین تئوری‌ها در این زمینه مطرح شده است. این نظریه که به‌ویژه در اقتصادهای مدرن و بانکداری رایج مورد توجه قرار گرفته، بیان می‌کند که خلق پول در حقیقت از طریق اعتباردهی به بازار و اعطای وام از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی صورت می‌گیرد. بانک‌ها در این فرآیند با اعطای وام، مبلغی را به اعتبار منابع موجود در حساب‌های مشتریان خود اضافه می‌کنند و به این ترتیب پول جدید خلق می‌شود (گرتلر و کیوتاکي، ۲۰۲۰).

در حالی که نظریه خالق اعتبار به عنوان یکی از معتبرترین تئوری‌های خلق پول در بانکداری مدرن شناخته می‌شود، فهم عمیق‌تر آن در چارچوب اصول فقهی و اسلامی همچنان موضوعی دست‌نخورده باقی مانده است. از سوی دیگر، بانک‌های تجاری و مؤسسات مالی غیربانکی در فرآیند خلق اعتبار نقش عمده‌ای دارند که در تحلیل‌های فقهی، این نقش می‌تواند با مفاهیم شرعی مانند ربا، غرر و عدالت در تضاد قرار گیرد. بنابراین، شکاف اصلی پژوهش در این حوزه، عدم وجود یک مدل تحلیلی جامع است که همزمان چالش‌های فقهی و اقتصادی خلق پول را در سیستم بانکی اسلامی با تکیه بر نظریه خالق اعتبار بررسی کند. پژوهش حاضر بدین منظور انجام شده است تا امکان تدوین چارچوب‌های قانونی و فقهی دقیق‌تر برای خلق پول در نظام بانکی اسلامی فراهم شود.

در جمع‌بندی بایستی بیان شود که به‌منظور ارائه دقیق احکام فقهی پیرامون «خلق پول» در نظام بانکداری بررسی دقیق نظریه خالق اعتبار و شناخت چالش‌های آن در فرآیند خلق پول ضروری است. تنها در این صورت می‌توان به تنظیم نظام بانکداری اسلامی مبتنی بر اصول شرعی و اقتصاد اسلامی دست‌یافت. با توجه به این نکته پژوهش حاضر با کاربست روش مرور نظام‌مند، چالش‌های خلق پول در نظام بانکداری از منظر فقهی را با تمرکز بر نظریه خالق اعتبار مورد توجه قرار داده است. با توجه به این مطالب، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چالش‌ها و مسائل فقهی خلق پول در نظام بانکداری متعارف از منظر «نظریه خالق» اعتبار چیست؟ در راستای پاسخگویی به سوال اصلی

پژوهش حاضر، ابتدا مرور ادبیات پیرامون نظریات خلق پول در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی می‌شود در ادامه با به‌کارگیری روش مرور نظام‌مند و مدل غربالگری مدل پرزما^۱ استفاده می‌شود و چالش‌های فقهی خلق پول در نظام بانکداری متعارف با تمرکز بر آثاری که نظریه خالق اعتبار را به عنوان نظریه مبنا پذیرفته‌اند، انجام می‌شود. در پایان نیز این چالش‌های فقهی، دسته‌بندی شده و در نهایت پیشنهادهایی برای فهم دقیق موضوع‌شناسی فرآیند خلق پول بانک‌ها ارائه می‌شود.

مرور ادبیات

در این قسمت به صورت مختصر، مروری بر مفهوم خلق پول و نظریه‌های مرتبط با آن و همچنین، تبیین و تشریح نظریه خالق اعتبار انجام می‌شود.

نظریه‌ها و مدل‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف

در نظام بانکداری متعارف، یکی از مفاهیم کلیدی در اقتصاد، مفهوم «خلق پول»^۲ است. فرآیند خلق پول نقش بسیار مهمی در اقتصاد کلان و زندگی اجتماعی مردم دارد. از یک منظر می‌توان برای فهم فرآیند خلق پول، مبتنی بر سه نظریه مشهور این حوزه (ورنر^۳، ۲۰۱۶؛ فوره^۴، ۲۰۲۰؛ دلییدی و لوروه^۵، ۲۰۱۷؛ بیوندی^۶، ۲۰۱۸) تبیین لازم و مؤثر را انجام داد که عبارت‌اند از:

- مدل واسطه‌گری^۷: مدل واسطه‌گری به فرآیندهایی اشاره دارد که در آن بانک‌ها و مؤسسات مالی به عنوان واسطه میان پس‌اندازکنندگان و قرض‌گیرندگان عمل می‌کنند (مور^۸، ۱۹۸۹). این مدل بر اساس "تخصص در شفاف‌سازی اطلاعات" و "کاهش ریسک‌ها" عمل می‌کند (بورد و سانتوس^۹، ۲۰۱۲). بانک‌ها به دلیل دسترسی به اطلاعات و توانایی تجزیه و تحلیل دقیق‌تر خطرات اقتصادی، می‌توانند منابع را به طور بهینه تخصیص دهند. در نتیجه، بانک‌ها به عنوان واسطه‌گران

^۱ PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses)

^۲ Money creation

^۳ Werner

^۴ Faure

^۵ Deleidi & Levrero

^۶ Biondi

^۷ Intermediation Model

^۸ Moore

^۹ Bord & Santos

- بین واحدهای اقتصادی مختلف، جریان‌های نقدی را هدایت می‌کنند و تأثیر زیادی بر نقدینگی و عملکرد اقتصادی دارند (دیاموند و دایبیگ، ۱۹۸۳؛ گورتون و وینتون، ۲۰۰۳).
- مدل ذخیره جزئی ۳: در این مدل، بانک‌ها موظفند که مقداری از سپرده‌ها را به عنوان ذخیره در دست داشته باشند (که معمولاً درصدی از سپرده‌ها است). به عبارت دیگر، اگر یک مشتری ۱۰۰۰ واحد پول به بانک سپرده‌گذاری کند، بانک فقط ۱۰۰ واحد آن را به عنوان ذخیره نگه می‌دارد و باقی را به صورت وام به دیگران اعطا می‌کند (گدان و ساراج، ۲۰۲۰). این مدل که به طور گسترده‌ای در نظام‌های بانکی متعارف استفاده می‌شود، نشان‌دهنده این است که بانک‌ها می‌توانند منابع پولی جدیدی را به سیستم اقتصادی اضافه کنند بدون اینکه همه آن‌ها از منابع واقعی و نقدی خود استفاده کنند (البینوفسکی، ۲۰۱۹).
 - مدل خالق اعتبار: این مدل به طور خاص بر روی نقش بانک‌ها در ایجاد اعتبار و اثرات آن بر اقتصاد متمرکز است (کراوز و گوتس، ۲۰۲۰). برخلاف مدل‌های سنتی که به خلق پول بر اساس سپرده‌ها و ذخیره جزئی تأکید دارند، مدل خالق اعتبار به این نکته می‌پردازد که بانک‌ها می‌توانند بدون نیاز به ذخیره‌سازی نقدی، پول جدیدی را از طریق اعطای وام به مشتریان ایجاد کنند (تاکر و بولز، ۲۰۲۳). این مدل از دیدگاه پولی جدید، به ویژه در تحلیل‌های کلان اقتصادی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است (اسمیت و تیلور، ۲۰۲۱). در این مدل، بانک‌ها نه تنها به عنوان واسطه عمل نمی‌کنند، بلکه می‌توانند خودشان به طور فعال پول جدید تولید کنند (دیویس، ۲۰۲۰).

تبیین مفهومی و محتوایی نظریه خالق اعتبار

در نظام بانکی مدرن بسیاری از کشورها از مدل خالق اعتبار برای ایجاد نقدینگی و اعتبار در بازار استفاده می‌کنند. به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، بانک‌ها با اعطای وام و اعتبار به بخش‌های مختلف

۱ Diamond & Dybvig

۲ Gorton & Winton

۳ Fractional Reserve Model

۴ Tekdoğan, & Saraç, 2020

۵ Albinowski

۶ Credit Creation Model

۷ Krause & Götz

۸ Tucker & Bowles

۹ Smith, & Taylor

۱۰ Davis

اقتصادی (اعم از خانوارها، بنگاه‌ها و دولت‌ها)، پول جدید وارد چرخه اقتصادی می‌کنند (تاگر و باولز، ۲۰۲۳). طبق مطالعه رودریگز و رایت (۲۰۲۰)، در ایالات متحده و بریتانیا، بانک‌ها به‌طور گسترده از مدل خلق اعتبار استفاده کرده‌اند. این سیستم نه تنها موجب تسهیل در تأمین مالی پروژه‌های مختلف اقتصادی می‌شود، بلکه به‌عنوان ابزار کلیدی در سیاست‌های پولی و اقتصادی نیز کاربرد دارد (رودریگز و رایت، ۲۰۲۰).

بر اساس پژوهش بوریو و همکاران (۲۰۱۹) این مدل می‌تواند در صورت استفاده کارآمد از آن باعث تخصیص بهتر منابع مالی و ایجاد تعادل در بازارهای مالی شود. همچنین، تسهیلات بانکی به‌عنوان عاملی برای کاهش نرخ بیکاری و تقویت بخش‌های تولیدی و خدماتی عمل می‌کنند (بوربو و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین از منظر اجتماعی، این مدل می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری اقتصادی کمک کند؛ زیرا اعتبار در دسترس اقشار مختلف جامعه قرار می‌گیرد و دسترسی به منابع مالی برای کسب‌وکارها و افراد بیشتر می‌شود (پالی، ۲۰۱۸). البته بایستی بیان شود که در آثار علمی تاکید شده است که در زمینه استفاده از مدل خالق اعتبار بایستی برخی از الزامات و اقتضائات همچون نظارت دقیق بر بانک‌ها و مؤسسات مالی (تاگر و باولز، ۲۰۲۳)، زمینه دسترسی عادلانه برای همه (لهمن و اشتایر، ۲۰۲۰) و حفظ ثبات سیستم‌های مالی و اقتصادی (دیویس، ۲۰۲۰) مدنظر قرار بگیرد.

اگرچه نظریه خالق اعتبار می‌تواند موجب تسهیل رشد اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها شود؛ اما چالش‌هایی نیز با آن همراه است. نخستین چالش، تورم و بی‌ثباتی مالی است. ایجاد بیش از حد اعتبار جدید می‌تواند منجر به افزایش غیرقابل کنترل سطح قیمت‌ها و تورم شود. طبق گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱)، در کشورهایی که نظارت ضعیفی بر سیستم بانکی دارند، افزایش اعتبار بدون کنترل به بحران‌های مالی و تورم‌های شدید منجر می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۲۱). دومین چالش، افزایش بدهی‌های عمومی و خصوصی است. با توجه به اینکه بانک‌ها می‌توانند اعتبار جدید خلق کنند، اگر این اعتبار به‌طور نادرست در بخش‌های کم‌بازده سرمایه‌گذاری شود، ممکن است بدهی‌های عمومی و خصوصی به‌شدت افزایش یابد و این امر بر توانایی بازپرداخت بدهی‌ها تأثیر منفی بگذارد (گرتلر و

۱ Rodriguez & Wright

۲ Borio et al

۳ Palley

۴ Lehmann & Steuer

۵ Davis

۶ IMF

کیوتاکا^۱، ۲۰۲۰). سومین چالش، اختلال در عدالت اقتصادی است. خلق اعتبار به‌طور غیرمستقیم می‌تواند منجر به توزیع نامتوازن منابع در جامعه شود (کراوز و گوتس^۲، ۲۰۲۰).

خلق پول در بانکداری اسلامی

در سیستم‌های بانکی متعارف، بانک‌ها می‌توانند اعتبار جدید خلق کنند که بر پایه وام‌ها و بدهی‌های جدید استوار است. این اعتبار جدید به‌طور معمول هیچ پشتوانه فیزیکی ندارد و تنها به‌واسطه‌ی بدهی‌های جاری و سپرده‌های مشتریان به وجود می‌آید (پالی^۳، ۲۰۱۸). در نظام بانکی اسلامی، این فرآیند از منظر فقهی دارای محدودیت‌های خاصی است. بانک‌ها در بانکداری اسلامی نمی‌توانند بدون پشتوانه واقعی پول جدید خلق کنند و هر گونه خلق اعتبار باید به‌طور مستقیم با دارایی‌های واقعی و قابل تبدالی که مطابق با اصول شریعت هستند، مرتبط باشد (خان و بهاتی^۴، ۲۰۱۹).

یکی از اشتباهات رایج در تفسیر فرآیند خلق پول در بانکداری اسلامی، ساده‌سازی آن به مدل واسطه‌گری است. این فرآیند در بانکداری اسلامی باید با دقت بیشتری بررسی شود، چرا که ساده‌سازی این مدل به شیوه‌ی مدل واسطه‌گری باعث نادیده‌گرفتن پیچیدگی‌های فقهی و اقتصادی آن خواهد شد. در بانکداری اسلامی، برای فهم صحیح احکام شرعی مرتبط با خلق پول، باید فرآیندهای اقتصادی و مالی به‌دقت تحلیل شوند. ایجاد اعتبار بدون پشتوانه و خلق پول از طریق وام‌دهی با بهره که در بانکداری متعارف رایج است، به‌طور واضح با اصول شریعت مغایرت دارد. همان‌طور که در قرآن و سنت پیامبر (ص)، ربا و کسب سود بدون تبادل ارزش واقعی ممنوع است. در این راستا، برای استنباط دقیق احکام شرعی، ضروری است که فقها و اقتصاددانان اسلامی در همکاری با یکدیگر، مدل‌های بانکی را که به‌طور هم‌زمان با اصول مالی اسلامی و نیازهای اقتصادی کشورها سازگار باشند، طراحی کنند. به‌ویژه، تحلیل و بررسی دقیق و جامع این فرآیندها می‌تواند موجب ارائه راهکارهای اجرایی مناسب‌تر برای بانک‌ها و در نهایت بهبود عملکرد نظام بانکی اسلامی شود. علاوه بر این، باید چالش‌هایی نظیر ریسک‌های مالی و نظارتی، همچنین تأثیرات اقتصادی ایجاد اعتبار بر سطح تورم و رشد اقتصادی به‌طور جامع بررسی شوند (حسن^۵، ۲۰۲۱).

^۱ Gertler & Kiyotaki

^۲ Krause & Götz

^۳ Palley

^۴ Khan & Bhatti

^۵ Hasan

با توجه به مطالب بیان شده در این قسمت مشخص می‌شود که اولاً برای اینکه احکام فقهی ناظر به فرآیند خلق پول از منظر فقهی ارائه شود، لازم است اول موضوع‌شناسی درست و فرآیند‌شناسی درست از خلق پول انجام شود و تمام پیچیدگی‌های موضوع مدنظر قرار بگیرد. دوم اینکه پس از فهم دقیق موضوع و فرآیند لازم است چالش‌ها و مسائلی که از منظر فقهی در فرآیند خلق پول وجود دارد، شناسایی شوند تا در مرحله آخر بتوان راهکار و احکام فقهی منسجم و نظام‌مند برای حل مشکل خلق پول که اصلی‌ترین و محوری‌ترین فرآیند در نظام بانکداری متعارف است، ارائه شود.

پیشینه پژوهش

موضوع اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و تحلیل چالش‌های خلق پول در نظام بانکی از منظر فقهی و با تمرکز بر نظریه خالق اعتبار است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند انجام خواهد شد. محققان با جستجوی جامع و کامل در منابع معتبر علمی داخلی و بین‌المللی، پژوهشی که به صورت تخصصی به موضوع پژوهش حاضر پرداخته باشد را پیدا نکردند. البته پژوهش‌های زیادی هستند که چالش‌های خلق پول را از منظر اسلامی بیان کرده‌اند؛ ولی مرور نظام‌مند و تحلیل جامع از این چالش‌ها تاکنون انجام نشده است. برخی پژوهش‌های مشابه با پژوهش حاضر وجود دارند که در ادامه توضیحاتی پیرامون آنها ارائه می‌شود.

برخی پژوهش‌ها به اهمیت مدیریت خلق پول در سیستم بانکداری اسلامی اشاره کرده‌اند. برای مثال سانتوسو^۱ (۲۰۱۲) تأکید می‌کند که خلق پول در اسلام باید با عدالت اجتماعی و جلوگیری از فساد اقتصادی همراه باشد (سانتوسو، ۲۰۱۲). وی این فرآیند را به سیاست‌های شرعی مانند کنترل نقدینگی و تنظیم عرضه پول مرتبط می‌داند. همچنین زمان^۲ (۲۰۱۶)، به خطرات کنترل‌نشده خلق پول اشاره کرده و این فرآیند را عامل بالقوه‌ای برای بحران‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی می‌داند (زمان، ۲۰۱۶). حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۵) نیز با تحلیل تمامی نگاه‌های مختلف در زمینه خلق پول، بیان می‌کند که اکثر چالش‌های بیان شده فقهی پیرامون خلق پول بر اساس مدل واسطه‌گری بوده است و لازم است که مبتنی بر نظریه خالق اعتبار، چالش‌های فقهی بانکداری مدرن شناسایی شوند و اصلاح نظام بانکداری متعارف و حرکت به سمت بانکداری اسلامی در دستور کار قرار بگیرد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵). سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود با پذیرش نظریه خالق اعتبار، عادلانه‌بودن فرآیند خلق پول و لزوم مولدیت پول خلق شده را در پایه‌ریزی نظام بانکداری اسلامی اساسی و حیاتی دانسته‌اند (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵). عربی و همکاران (۱۴۰۱) نیز بیان

^۱ Santoso

^۲ Zaman

می‌کنند که اگر خلق پول در مسیر و چارچوب درستی انجام نشود مشمول قاعده فقهی اکل مال به باطل می‌شود (عربی و همکاران، ۱۴۰۱).

با وجود تلاش‌های متعدد برای تحلیل و اصلاح این فرآیند، هنوز کمبود پژوهش‌های نظام‌مند که به طور خاص با در نظر داشت تحلیل واقعی و عینی از نظام بانکداری متعارف و نظریه خالق اعتبار به احصای چالش‌های فقهی بپردازند، احساس می‌شود. با توجه به مطالب بیان شده و تحلیل پژوهش‌های انجام شده، نوآوری پژوهش حاضر شامل مواردی همچون کاربست روش مرور نظام‌مند برای احصای چالش‌های خلق پول در بانک‌ها بر اساس نظریات اسلامی، تمرکز بر نظریه خالق اعتبار به عنوان کامل‌ترین نظریه برای خلق پول بانک‌ها (دلیدی و لیوریرو و بیوندی، ۲۰۱۸)^۱، شناسایی نظریه و مدل مبنایی نویسندگان و متخصصان برای احصای چالش‌ها و موضوع‌شناسی دقیق از فرآیند خلق پول در نظام بانکداری متعارف و شناسایی چالش‌های مرتبط به عنوان مبنایی برای ارائه حکم فقهی هست.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس یک مطالعه کیفی و اکتشافی است که بر اساس روش «مرور نظام‌مند ادبیات»^۲ انجام می‌شود. هدف اصلی این روش، پاسخ به سؤالات تحقیقاتی خاص، کشف روندهای پژوهشی، شناسایی شکاف‌ها و نقاط ضعف در تحقیقات موجود و ارائه یک تصویر کلی از وضعیت کنونی حوزه موردنظر است (کرسول و پات^۳، ۲۰۱۸). این روش از آن جهت به شدت مورد توجه قرار گرفته است که فرآیند انجام آن کاملاً شفاف و استاندارد شده است، به طوری که سایر محققین می‌توانند آن را بازتولید کنند (مونا و همکاران^۴، ۲۰۱۸). این روش می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا نه تنها یک تصویر کامل از وضعیت فعلی تحقیقاتی در یک حوزه خاص به دست آورند؛ بلکه مسیرهای تحقیقاتی آینده را نیز شفاف‌تر سازند. از آنجایی که این فرآیند کاملاً ساختاریافته است، نتایج حاصل از آن قابل اعتماد و معتبر خواهند بود و به راحتی می‌توان آن‌ها را برای تصمیم‌گیری‌های علمی و سیاستی مورد استفاده قرار داد (لیبراتی و همکاران^۵، ۲۰۰۹). در پژوهش حاضر برای غربالگری مقالات بر اساس روش مرور نظام‌مند از مدل پریزما (PRISMA)^۶ به عنوان یکی از معتبرترین و به‌روزترین مدل‌ها استفاده

^۱ این مقالات با مرور نظام‌مند و انجام کارهای تجربی و کیفی ثابت می‌کنند که در عمل بانک‌ها بر اساس نظریه خالق اعتبار عمل می‌کنند.

^۲ Systematic Literature Review (SLR)

^۳ Creswell & Poth

^۴ Munn & ET.AL

^۵ Liberati & et.al

^۶ Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses

می‌شود. این مدل برای اطمینان از شفافیت و دقت در مرور نظام‌مند طراحی شده است. مراحل غربالگری بر اساس مدل پریسما به شرح زیر عبارت‌اند از:

۱. تعریف مسئله و سوالات پژوهش

مسئله و سوال اصلی پژوهش همان‌گونه که شرح داده شده، احصای چالش‌های فقهی خلق پول در نظام بانکداری متعارف مبتنی بر نظریه خالق اعتبار هست.

۲. جستجوی منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی

در پژوهش حاضر با استفاده از پروتکل و دستورالعمل مشخص، جستجوی دقیق و کامل داخل پایگاه‌های علمی داخل کشور و هم پایگاه‌های معتبر بین‌المللی انجام شد که در جدول زیر مشخص شده است

پایگاه‌های علمی بین‌المللی	پایگاه‌های علمی داخلی
<ul style="list-style-type: none"> • Google Scholar (scholar.google.com) • Scopus (www.scopus.com) • JSTOR (www.jstor.org) • SpringerLink (link.springer.com) • ScienceDirect (www.sciencedirect.com) 	<ul style="list-style-type: none"> • مگیران (www.magiran.com) • نورمگز (www.noormags.ir) • پایگاه ایراندک (www.irandoc.ac.ir) • پایگاه جهاد دانشگاهی (www.sid.ir) • و جستجوی در کتاب‌ها و سایر متون علمی

دستورهای جستجوی در پایگاه‌های داخلی و پایگاه‌های بین‌المللی در پیوست شماره (۱) آمده است. نتیجه جستجوی اولیه در منابع داخلی و بین‌المللی شناسایی تعداد ۸۰۶ مقاله بوده است.

۳. حذف مقالات تکراری^۱

با توجه به اینکه مقالاتی که از جستجوهای مختلف به‌دست آمده‌اند ممکن است تکراری باشند، در این مرحله حذف مقالات تکراری و مشابه انجام شد. در این بخش تعداد ۵۸ اثر علمی حذف شدند و آثار علمی باقی مانده، ۷۴۸ عدد شد.

۴. غربالگری اولیه بر اساس عنوان و چکیده

در این گام، بررسی عناوین و چکیده‌ها برای اطمینان از مرتبط بودن مقالات با سؤالات پژوهش انجام شد و مقالاتی که به وضوح مرتبط نبودند، حذف شدند. در این مرحله تعداد ۴۳۹ اثر علمی حذف شدند و آثار علمی باقی مانده ۳۰۹ عدد شد.

۵. بررسی متن کامل مقالات

در این مرحله متن کامل مقالات بررسی و تحلیل شدند و یک مرور کامل بر روی آنها انجام شد. در این مرحله مقالاتی که مرتبط با سوال اصلی پژوهش نبودند نیز حذف شدند که تعداد آنها ۱۵۷ عدد بود. مقالات باقی مانده در این مرحله تعداد ۱۵۲ عدد بود.

۶. تعیین معیارهای شمول و خروج

در این مرحله بر اساس دامنه موضوعی پژوهش حاضر و تحلیل مقالات با استفاده از معیارهای شمول (سؤالات پژوهش و تحدید موضوع) (چالش‌های خلق پول از منظر فقهی با تاکید بر نظریه «خالق اعتبار»)، مقالات شناسایی شده بر اساس نظریه و مدل پذیرفته شده به سه دسته مقالات مبتنی بر نظریه واسطه‌گری، مقالات مبتنی بر نظریه ذخیره جزئی و مقالات مبتنی بر نظریه خالق اعتبار دسته‌بندی شدند. در این مرحله نیز ۵۷ مقاله اصلاً مرتبط نبودند که حذف شدند و ۹۵ مقاله مرتبط با یکی از سه نظریه (۴۹ مقاله ناظر به نظریه خالق اعتبار، ۳۵ مقاله ناظر به ذخیره جزئی و ۱۱ مقاله ناظر به واسطه‌گری) بودند.

۷. استخراج داده‌ها

در این مرحله ۴۹ مقاله ناظر به نظریه خالق اعتبار، تحلیل شدند و چالش‌های خلق پول از منظر فقهی از این مقالات استخراج شدند که برای نمونه در جدول (۲) آمده است.

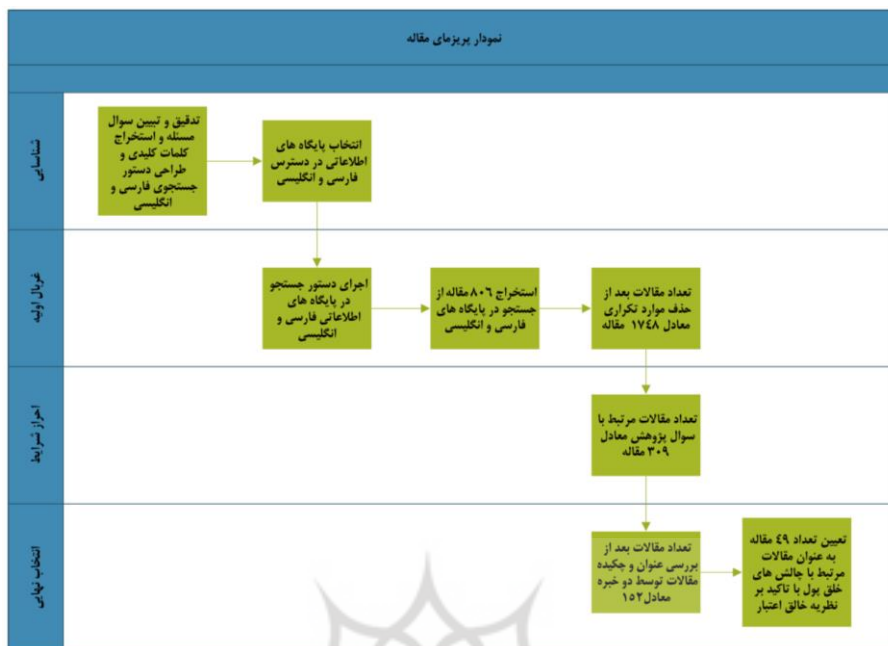
عنوان مقاله	چالش‌های شناسایی شده	منبع
ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم	غیرعادلانه بودن فرآیند خلق پول، ناسازگاری با عدالت توزیعی و رویه‌ای، سوگیری‌های منفی توزیعی، اتکای به امتیازات ویژه،	سبحانی، حسن، & درودیان، حسین. (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۴)، ۳۱-۵۴.

عنوان مقاله	چالش‌های شناسایی شده	منبع
بانکی در نظام بانکداری اسلامی	سوداگری بانک‌های تجاری و جلوگیری از مولدیت پول خلق شده	
ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی	نظام بانکداری با ذخایر صددرصدی یا بانکداری مضیق با بانکداری اسلامی تطابق بیشتری دارد و بانک به‌مثابه یک واسطه مالی و نه مؤسسه خلق پول به معیارهای پولی و مالی اسلام نزدیک‌تر است	حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی. (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۸(۲)، ۱۷۳-۱۹۸. doi: ۱۰.۳۰۴۹۷/۱۰.۳۰۴۹۷ies.۱۸۰۲۱۶۰۱۶
توسعه مدل تامین مالی فناوری محور بدون خلق پول مبتنی بر شریعت برای بانکداری اسلامی	مغایرت با اصل مشارکت واقعی در سود و زیان و ربوی بودن. نامشروع بودن به دلیل عدم وجود پشتوانه واقعی مانند طلا یا نقره، وام و اعتبار به عنوان مبادله‌ای نابرابر و ربوی. این مقاله بر لزوم ایجاد یک مدل مالی اسلامی بر اساس پول واقعی (طلا و نقره) تأکید می‌کند تا از ربای موجود در سیستم‌های مالی مدرن جلوگیری شود.	Altwijry, O. I., Mohammed, M. O., Hassan, M. K., & Selim, M. (2022). Developing a Shari'ah-based FinTech Money Creation Free (SFMCF) model for Islamic banking. <i>International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management</i> , 15(4), 739-758. https://doi.org/10.1108/IMEFM-05-2021-0189
بررسی سیستم پولی نوین اسلامی: روش اسلامی خلق پول از زنجیره تأمین تا تجارت بین‌الملل	ربوی بودن خلق پول از طریق اعتبارات و بدهی، معاملات سفته‌بازانه و فعالیت‌های مالی غیرمولد، عدم شفافیت و عدالت اجتماعی، عدم توازن در توزیع ثروت و افزایش شکاف طبقاتی	Gundogdu, A. S. (2020). Exploring novel Islamic monetary system: Islamic way of money creation from supply chain to international trade. <i>Journal of Islamic Accounting and Business Research</i> , 11(2), 440-456.

منبع	چالش‌های شناسایی شده	عنوان مقاله
Siddique, M. Z. (2022). Modern money and Islamic banking in the light of Islamic law of riba. <i>International Journal of Finance & Economics</i> , 27(1), 993–1008.	ربا بودن خلق پول از طریق بدهی، وابستگی به پول فیات (بدون پشتوانه طلا و نقره)، عدم امکان مشارکت واقعی در سود و زیان، تمرکز قدرت اقتصادی در دست نهادهای بزرگ، تبدیل‌شدن پول به منبع سودآوری بدون پشتوانه تولیدی به جای ابزاری برای تسهیل مبادله و حفظ ارزش	پول مدرن و بانکداری اسلامی در پرتو قانون اسلام در رابطه با ربا
توسلی محمداسماعیل، مجاهدی مؤخر محمد مهدی، خرسندی مرتضی. تبیین ماهیت بانکداری غربی، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی. فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی. ۱۳۹۹؛ ۶ (۴): ۸۵-۱۰۸	عدم گردش عادلانه ثروت در جامعه، اکل مال به باطل (دارا شدن بدون جهت و استفاده بدون جهت)، انباشت ثروت میان طبقات خاص	تبیین ماهیت بانکداری غربی، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی

نمودار پریزمای انجام مرور نظام‌مند ادبیات مقالات در شکل (۱) نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: نمودار پریزمای مقاله

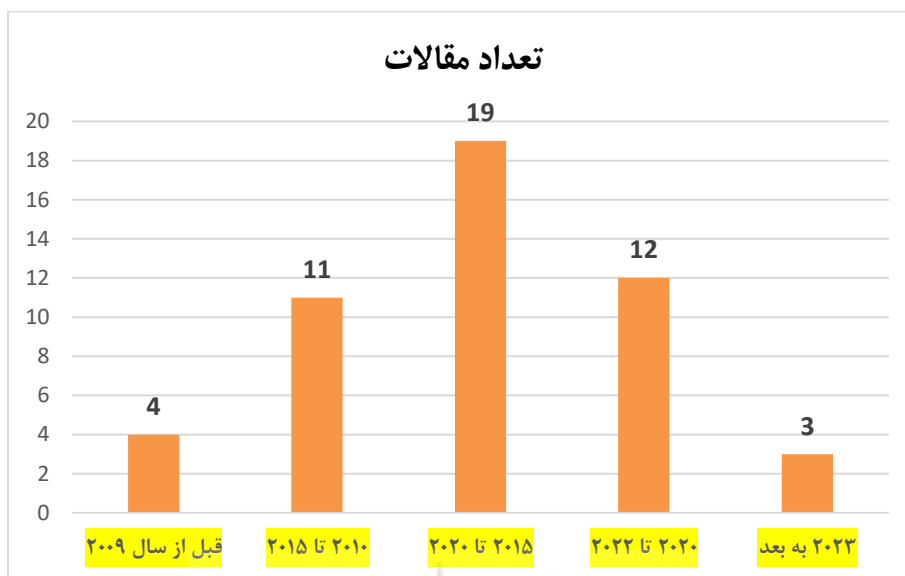
تجزیه و تحلیل یافته ها

در این بخش بر اساس تحلیل مقالات منتخب مرتبط با سوال اصلی پژوهش حاضر، یافته ها و تحلیل های مرتبط با آن ارائه می شود. مقالات منتخب در پیوست شماره (۲) ذکر شده اند.

فراوانی مقالات در بازه های زمانی معین

با تحلیل مقالات منتخب که اولاً نظریه خالق اعتبار را پذیرفته اند و ثانیاً چالش های خلق پول را نیز از منظر فقهی بیان کرده اند، مشخص می شود که بیشتر این مقالات در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ نگارش شده اند. فراوانی مقالات منتخب در بازه های زمانی معین به شرح زیر است

پرتال جامع علوم انسانی



شناسایی چالش‌های خلق پول و فراوانی آن

با بررسی و تحلیل ۴۹ مقاله منتخب مشخص شد که افراد و اندیشمندی که نظریه «خالق اعتبار» را به عنوان مدل و نظریه مبنا برای تحلیل وضعیت بانکداری متعارف در نظر گرفته‌اند، چالش‌های فقهی زیر را به عنوان چالش‌های خلق پول معرفی کرده‌اند که در جدول شماره (۳) آمده است.

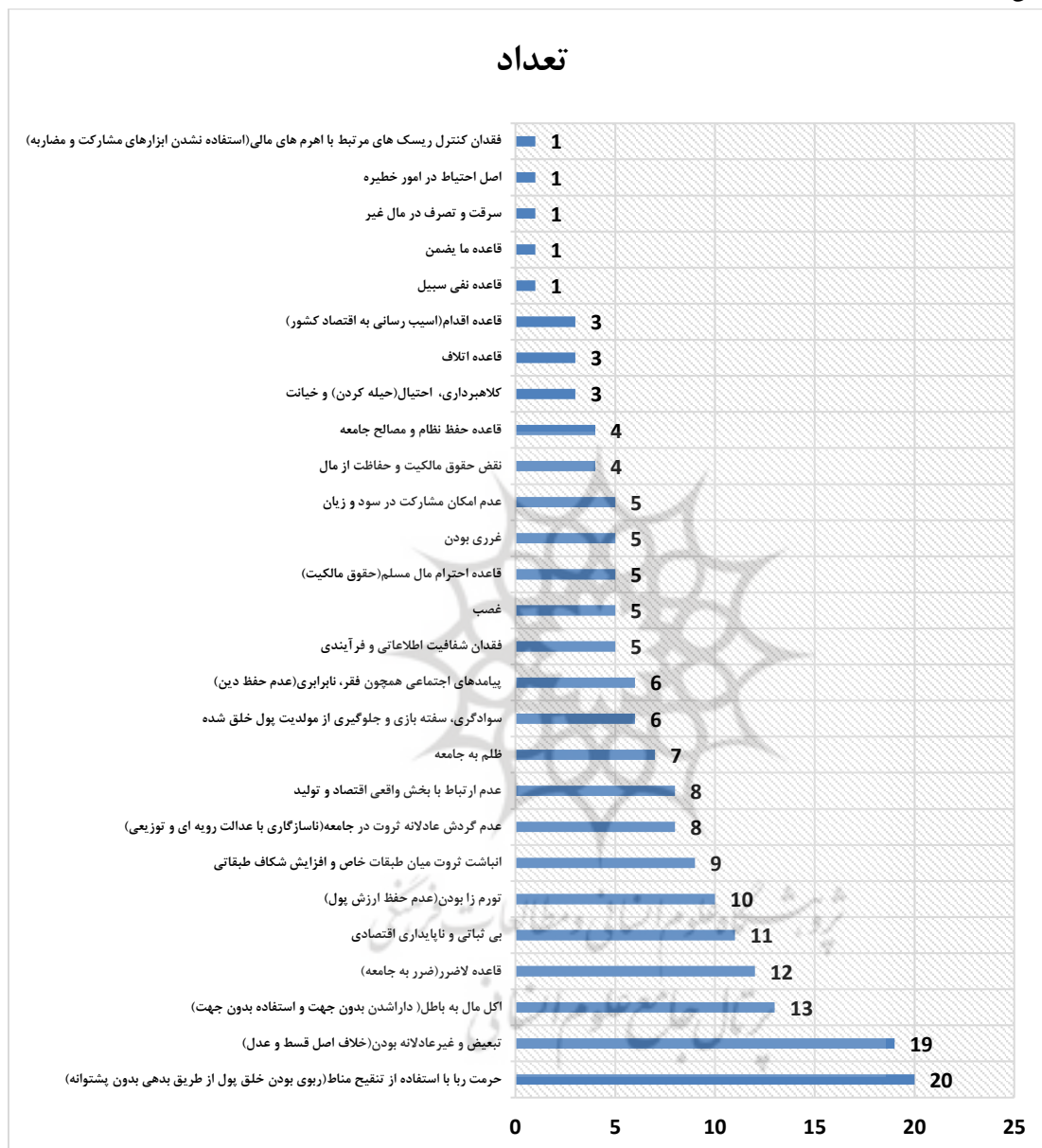
فراوانی	منابع	چالش‌ها و مسائل
19	سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵؛ محققیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ شاهچراغ، ۱۳۹۹؛ فائزی و همکاران، ۱۳۹۸، باقری، ۱۳۹۶؛ مهدی زاده، ۱۴۰۰؛ بهاری فر، ۱۳۹۹؛ آذرباره، ۱۴۰۱؛ سیدی، ۱۴۰۱؛ سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴؛ گوندوغو، ۲۰۲۰؛ حسن، ۲۰۰۸؛ خان، ۲۰۱۳؛ جها، ۲۰۱۳؛ دینچ، سایتی و چاکر، ۲۰۱۸؛ اسماعیل، ۲۰۲۱؛ زبیر، ۲۰۲۳؛ کایادا و گوندوغو، ۲۰۲۱؛ زمان، ۲۰۱۶	تبعیض و غیرعادلانه بودن (خلاف اصل قسط و عدل)
6	سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵؛ گوندوغو، ۲۰۲۰؛ دینچ، سایتی و چاکر، ۲۰۱۸؛ تكدوآن، ۲۰۱۸؛ آیوب و خان، ۲۰۲۱؛ کایادا و گوندوغو، ۲۰۲۱	سوداگری، سفته‌بازی و جلوگیری از مولدیت پول خلق شده

فراوانی	منابع	چالش‌ها و مسائل
8	سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵؛ توسلی و همکاران، ۱۳۹۹؛ جعفری، ۱۳۹۴ میرا، ۲۰۰۲؛ گوندوغو، ۲۰۲۰؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ دینچ، سایتی و چاکر، ۲۰۱۸؛ کایادا و گوندوغو، ۲۰۲۱	عدم گردش عادلانه ثروت در جامعه (ناسازگاری با عدالت رویه‌ای و توزیعی)
13	توسلی و همکاران، ۱۳۹۹؛ عربی و همکاران، ۱۴۰۱، عیسوی، ۱۴۰۲؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ محققیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶؛ زینلی زاده، ۱۴۰۰؛ ثابت، ۱۳۹۶؛ بهاری فر، ۱۳۹۹؛ آذربار، ۱۴۰۱؛ سیدی، ۱۴۰۱؛ تاج لنگرودی، ۱۳۹۷؛ دستورانی، ۱۳۹۸	اکل مال به باطل (داراشدن بدون جهت و استفاده بدون جهت)
9	سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵؛ توسلی و همکاران، ۱۳۹۹؛ ثابت، ۱۳۹۶ گوندوغو، ۲۰۲۰؛ سیدیک، ۲۰۲۲؛ حسن، ۲۰۰۸؛ جها، ۲۰۱۳؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ کایادا و گوندوغو، ۲۰۲۱	انباشت ثروت میان طبقات خاص و افزایش شکاف طبقاتی
5	سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴ گوندوغو، ۲۰۲۰؛ جها، ۲۰۱۳؛ آیوب و خان، ۲۰۲۱؛ زمان، ۲۰۱۶	فقدان شفافیت اطلاعاتی و فرآیندی
4	عربی و همکاران، ۱۴۰۱؛ سیدی، ۱۴۰۱ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ زمان، ۲۰۱۶	نقض حقوق مالکیت و حفاظت از مال
10	سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴؛ فانزی و همکاران، ۱۳۹۸؛ عربی و همکاران، ۱۴۰۱؛ محققیان و همکاران، ۱۴۰۱ میرا، ۲۰۰۲؛ مک کونچی، ۲۰۱۳؛ حسن، ۲۰۰۸؛ آیوب و خان، ۲۰۲۱؛ اسماعیل، ۲۰۲۱؛ سانتوسو، ۲۰۱۲	تورم‌زا بودن (عدم حفظ ارزش پول)
7	عیسوی، ۱۴۰۲؛ کاظمی نجف آبادی و حاجی پور، ۱۴۰۱؛ زینلی زاده، ۱۴۰۰؛ آذربار، ۱۴۰۱ حسن، ۲۰۰۸؛ بن جدیدی و حمزه، ۲۰۲۴؛ سانتوسو، ۲۰۱۲	ظلم به جامعه

فراوانی	منابع	چالش‌ها و مسائل
12	عیسوی، ۱۴۰۲؛ عربی و همکاران، ۱۴۰۲؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ باقری، ۱۳۹۶؛ زینلی زاده، ۱۴۰۰؛ ثابت، ۱۳۹۶؛ جعفری، ۱۳۹۴؛ آذربار، ۱۴۰۱؛ سیدی، ۱۴۰۱ بن جدیدی و حمزه، ۲۰۲۴؛ زبیر، ۲۰۲۳؛ سانتوسو، ۲۰۱۲	قاعده لاضرر (ضرر به جامعه)
4	عیسوی، ۱۴۰۲؛ سیدی، ۱۴۰۱؛ ثابت، ۱۳۹۶ عبدالرحمن یوسفی احمد، ۲۰۱۷	قاعده حفظ نظام و مصالح جامعه
3	سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴؛ عربی و همکاران، ۱۴۰۱؛ عیسوی، ۱۴۰۲	کلاهبرداری، احتیال (حیله‌کردن) و خیانت
5	اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶؛ آذربار، ۱۴۰۱؛ سیدی، ۱۴۰۱؛ تاج لنگرودی، ۱۳۹۷	غصب
5	اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ باقری، ۱۳۹۶؛ زینلی زاده، ۱۴۰۰؛ آذربار، ۱۴۰۱؛ سانتوسو، ۲۰۱۲	قاعده احترام مال مسلم (حقوق مالکیت)
3	اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ باقری، ۱۳۹۶؛ آذربار، ۱۴۰۱	قاعده اتلاف
3	اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ باقری، ۱۳۹۶؛ آذربار، ۱۴۰۱	قاعده اقدام (آسیب‌رسانی به اقتصاد کشور)
11	سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴؛ محققیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ مک‌کونچی، ۲۰۱۳؛ حسن، ۲۰۰۸؛ خان، ۲۰۱۳؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ اسماعیل، ۲۰۲۱؛ زبیر، ۲۰۲۳؛ زمان، ۲۰۱۶؛ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ عبدالرحمن یوسفی احمد، ۲۰۱۷	بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصادی
20	محققیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ زینلی زاده، ۱۴۰۰؛ آذربار، ۱۴۰۱ التویجری و همکاران، ۲۰۲۲؛ گوندوگو، ۲۰۲۰؛ سیدیک، ۲۰۲۲؛ حسن، ۲۰۰۸؛ خان، ۲۰۱۳؛ جها، ۲۰۱۳؛ بن	حرمت ربا با استفاده از تنقیح مناط (ربوی بودن خلق پول از طریق بدهی بدون پشتوانه)

فراوانی	منابع	چالش‌ها و مسائل
	جدیدی و حمزه، ۲۰۲۴؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ دینچ، سایتی و چاکر، ۲۰۱۸؛ تکدوان، ۱۴۰۲؛ آیوب و خان، ۲۰۲۱؛ آیوب، ۲۰۲۱؛ زبیر، ۲۰۲۳؛ کایادا و گوندوغو، ۲۰۲۱؛ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ کومیجانی و تقویزاده‌حسینی، ۲۰۱۸؛ عبدالرحمن یوسفی احمد، ۲۰۱۷	
8	خسروی و ندری، ۱۳۹۹؛ ثابت، ۱۳۹۶ التویجری و همکاران، ۲۰۲۲؛ سیدیک، ۲۰۲۲؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ تکدوان، ۱۴۰۲؛ کایادا و گوندوغو، ۲۰۲۱؛ کومیجانی و تقویزاده‌حسینی، ۲۰۱۸	عدم ارتباط با بخش واقعی اقتصاد و تولید
6	فائزی و همکاران، ۱۳۹۸؛ مهدی زاده، ۱۴۰۰؛ سیدی، ۱۴۰۱ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ زمان، ۲۰۱۶؛ میرا، ۲۰۰۲	پیامدهای اجتماعی همچون فقر، نابرابری (عدم حفظ دین)
1	باقری، ۱۳۹۶	قاعده نفی سبیل
1	باقری، ۱۳۹۶	قاعده ما یضمن
1	زینلی زاده، ۱۴۰۰	سرقت و تصرف در مال غیر
1	زینلی زاده، ۱۴۰۰	اصل احتیاط در امور خطیره
5	ثابت، ۱۳۹۶ آیوب، ۲۰۲۱؛ زبیر، ۲۰۲۳؛ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ کومیجانی و تقویزاده‌حسینی، ۲۰۱۸	غرری بودن
5	سیدیک، ۲۰۲۲؛ حسن، ۲۰۰۸؛ خان، ۲۰۱۳؛ بن جدیدی و حمزه، ۲۰۲۴؛ زمان، ۲۰۱۶	عدم امکان مشارکت در سود و زیان
1	آیوب و خان، ۲۰۲۱	فقدان کنترل ریسک‌های مرتبط با اهرم‌های مالی (استفاده‌نشدن ابزارهای مشارکت و مضاربه)

دسته‌بندی چالش‌ها بر اساس میزان فراوانی و تکرار آن در منابع علمی مختلف در نمودار زیر نشان داده شده است.



دسته‌بندی و گونه‌شناسی چالش‌های خلق پول بر مبنای فقهی

با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی چالش‌های خلق پول مبتنی بر نظریه خالق اعتبار از منظر فقهی است. چالش‌های شناسایی شده با توجه به این نکته دسته‌بندی می‌شوند. بر این اساس، چالش‌های شناسایی شده به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند.

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
قاعده لاضرر	طبق قاعده لاضرر، هرگونه خلق پول و سیستم مالی که موجب ضرر به جامعه یا افراد دیگر شود، ممنوع است. این شامل خلق پول غیرمستند، غیرشفاف و یا ایجاد نابرابری‌های اقتصادی می‌شود که منجر به فساد و ضرر به دیگران می‌گردد. با تحلیل نظر محققان مشخص می‌شود که به شرط اثبات تورم زایی خلق پول، مثلی نبودن	عیسوی، ۱۴۰۲؛ عربی، فراهانی فرد و خوش اخلاق، ۱۴۰۲؛ باقری، ۱۳۹۶؛ سبحانی، ۱۴۰۱؛ خاکی، ۱۳۹۹ و محققان و همکاران، ۱۴۰۱؛ همکاران، ۱۴۰۱؛ حاجی پور، ۱۴۰۱ بن جدیدی و حمزه، ۲۰۲۴؛ زبیر، ۲۰۲۳؛ زمان، ۲۰۱۶	بر اساس دیدگاه‌های متعدد در اقتصاد اسلامی و متعارف، خلق پول از هیچ توسط بانک‌ها به دلیل آثار تورمی، کاهش ارزش پول ملی و ایجاد بحران‌های مالی، مصداق زیان عمومی و ناقض قاعده لاضرر دانسته می‌شود. پژوهشگران چون عیسوی (۱۴۰۲) و محققان و همکاران (۱۴۰۱) تأکید دارند که این فرایند، به‌ویژه در صورت ایجاد تورم و کاهش قدرت خرید، منجر به آسیب جدی به جامعه می‌شود. سبحانی (۱۴۰۱)، خاکی (۱۳۹۹) و عربی، فراهانی فرد و خوش‌اخلاق (۱۴۰۲) نیز تطبیق خلق پول درونی با قاعده لاضرر را مشروط به اثبات اثرات منفی آن دانسته‌اند. مطالعات بین‌المللی نیز این دیدگاه را تقویت می‌کنند؛ بن جدیدی و حمزه (۲۰۲۴) و زبیر (۲۰۲۳) خلق پول بی‌پشتوانه را عامل تورم و ضرر به مردم می‌دانند، و زمان

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	پول و وجود قرارداد اجتماعی ملزم به حفظ ارزش پول، خلق پول بر اساس نظریه خالق اعتبار در تضاد با قاعده لاضرر است.		(۲۰۱۶) نیز هشدار می‌دهد که این فرایند می‌تواند منجر به بحران‌های بانکی گسترده شود. از این رو، هم عرف اقتصادی و هم استدلال‌های فقهی و تجربی آن را رفتاری مضر و ناقض قاعده لاضرر ارزیابی می‌کنند.
غرری بودن خلق پول	حکم غرری بودن به‌طور خاص به معاملات و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها ابهام، عدم شفافیت، و ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد و ممکن است طرفین معامله در معرض ضرر و زیان قرار گیرند. با بررسی متون علمی مشخص می‌شود که فقدان مشارکت در سود و زیان و همچنین	باقری، ۱۳۹۶؛ آذربار، ۱۴۰۱؛ ثابت، ۱۳۹۶؛ کومیحانی و تقویزاده‌حسینی، ۲۰۱۸؛ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ ایوب، ۲۰۲۱؛ زبیر، ۲۰۲۳	خلق پول در نظام بانکی، به‌ویژه در صورت نبود پشتوانه واقعی، می‌تواند از منظر فقه اسلامی مصداق غرر و نابرابری اقتصادی باشد، زیرا موجب عدم قطعیت، افزایش ریسک و عدم شفافیت در معاملات می‌شود. درودیان و سبحانی (۱۳۹۵) و محققان و همکاران (۱۴۰۱) تأکید دارند که خلق پول بدون پشتوانه باعث نوسانات و نااطمینانی می‌شود که با مفهوم غرر در تعارض است. همچنین، از دید زبیر (۲۰۲۳)، تصور اشتباه سپرده‌گذاران، ریسک‌های مالی، و نبود شفافیت در اثرگذاری خلق اعتبار بر ارزش پول، همه از مصداق غرر و ناعدالتی در توزیع ثروت محسوب می‌شوند. ایوب (۲۰۲۱) نیز خاطر نشان می‌کند که فرآیند خلق اعتبار در بانکداری متعارف دارای عدم قطعیت‌های قابل توجهی است که

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	شفافیت قراردادها و عدم کنترل ریسک‌های مالی که در نظریه خلق اعتبار مشهود است، غرری بودن خلق پول اثبات می‌شود.		ممکن است از نظر شریعت اسلامی غیرقابل قبول باشد.
قاعده حرمت ربا (ربوی بودن خلق پول از طریق بدهی بدون پشتوانه)	در صورتی که بانک‌ها بدون پشتوانه واقعی، اعتبار یا پول جدید خلق کنند، این روند ممکن است منجر به فقدان پشتوانه واقعی در سیستم مالی و افزایش بدهی‌های ربوی شود. در نتیجه، پول خلق شده از طریق این فرآیند به جای ایجاد ارزش واقعی، به نوعی ربا و سود نامشروع تبدیل می‌شود.	امیرعلی و سبحانی، ۱۳۹۳؛ عبدالرحمن یوسفی احمد، ۲۰۱۷؛ جها، ۲۰۱۳؛ حسن، ۲۰۰۸	در نظام بانکی اسلامی، خلق پول باید به فعالیت‌های اقتصادی واقعی و ارزش افزوده حقیقی وابسته باشد؛ در غیر این صورت، این فرآیند می‌تواند مصداق ربا باشد که از دیدگاه شریعت اسلام حرام است. امیرعلی و سبحانی (۱۳۹۳) بر لزوم پشتوانه واقعی پول تأکید دارند و معتقدند خلق پول بدون آن، زمینه‌ساز رباست. حسن (۲۰۰۸) و عبدالرحمن یوسفی احمد (۲۰۱۷) نیز توضیح می‌دهند که بانک‌ها از طریق وام‌های بهره‌دار، پول جدید خلق کرده و سود می‌برند، بدون آنکه تولیدی واقعی انجام دهند. این سود، نه تنها با فعالیت اقتصادی واقعی مرتبط نیست، بلکه بدهی‌های بیشتری در جامعه ایجاد می‌کند. اسماعیل (۲۰۲۱) نیز این شیوه را در تضاد با اصول مالی اسلامی دانسته و جها (۲۰۱۳) اضافه می‌کند که در

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
			بانکداری متعارف، خلق پول از طریق بدهی، بدون مشارکت در تجارت واقعی، باعث سودآوری نامشروع می‌شود.
قاعده قسط و عدل (عدالت اجتماعی)	طبق قاعده عدالت، نظام اقتصادی باید به‌طور عادلانه ثروت را در جامعه توزیع کند. خلق پول یا سیستم‌های مالی که به‌طور غیرعادلانه به نفع گروه خاصی عمل کنند، به‌شدت مخالف با اصول عدالت هستند. در نظریه خالق اعتبار، خلق پول مترادف با عدم گردش عادلانه ثروت در جامعه، تضاد با عدالت رویه‌ای و توزیعی، عدم امکان مشارکت در سود و زیان و سایر موارد مشابه است که خلاق قاعده قسط و عدل است.	باقری، ۱۳۹۶؛ شاهچراغ، ۱۳۹۹؛ عیسوی، ۱۴۰۲؛ درودیان و سبحانی، ۱۳۹۵؛ سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴؛ کاظمی نجف‌آبادی و حاجی پور، ۱۴۰۱؛ محققیان و همکاران، ۱۴۰۱؛ مهدی‌زاد، ۱۴۰۰؛ زینلی‌زاده، ۱۴۰۰؛ گوندوغو، ۲۰۲۰؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ ۲۰۱۸) نشان داده‌اند که خلق پول بدون ارتباط با بخش واقعی اقتصاد موجب تمرکز ثروت در دست اقلیت و افزایش نابرابری می‌شود، که با قاعده قسط و عدالت توزیعی در اسلام در تضاد است. محققیان و همکاران (۱۴۰۱) و شاهچراغ (۱۳۹۹) نیز با دیدگاهی	خلق پول بانکی، به‌ویژه در سیستم‌های متعارف، به‌دلیل پیامدهای منفی گسترده مانند تورم، نابرابری اقتصادی و تمرکز ثروت، از منظر عدالت اسلامی، مصداق ظلم و مغایر با مصلحت عمومی دانسته می‌شود. عیسوی (۱۴۰۲) و کاظمی نجف‌آبادی و حاجی‌پور (۱۴۰۱) تأکید دارند که این فرآیند باعث سود هنگفت بانک‌ها و در مقابل، زیان عمومی از طریق کاهش قدرت خرید و فشار تورمی می‌شود. درودیان و سبحانی (۱۳۹۵) و سبحانی و امیرعلی (۱۳۹۳) نیز آن را ناسازگار با معیارهای دینی عدالت و مصلحت می‌دانند. پژوهش‌های خارجی مانند (گوندوغو، ۲۰۲۰؛ اسماعیل، ۲۰۲۰؛ دینچ، سایتی و چاکر، ۲۰۱۸) نشان داده‌اند که خلق پول بدون ارتباط با بخش واقعی اقتصاد موجب تمرکز ثروت در دست اقلیت و افزایش نابرابری می‌شود، که با قاعده قسط و عدالت توزیعی در اسلام در تضاد است. محققیان و همکاران (۱۴۰۱) و شاهچراغ (۱۳۹۹) نیز با دیدگاهی

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
			فقهی، این شیوه را از منظر عدالت ناعادلانه و قابل انتقاد می‌دانند.
قاعده احترام مال مسلم (غصب)	در فقه، هرگونه تصرف در مال دیگران بدون اجازه و یا ایجاد ابهام و غبن در قراردادها و سیستم‌های اقتصادی حرام است. این امر شامل خلق پول بدون پشتوانه و ایجاد خطرات مالی برای دیگران می‌شود که از مصادیق غصب و ظلم است. در نظریه خالق اعتبار، بانک‌ها بدون پشتوانه خلق اعتبار می‌کنند ولی برای وام دهی به مردم تقاضای ضمانت نامه‌های واقعی دارند مثل سند خانه و... همچنین از سوی	آذربار، ۱۴۰۱، باقری، ۱۳۹۶؛ عالی پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۴)؛ تاج لنگرودی، ۱۳۹۷؛ جها، ۲۰۱۳؛ مک‌کونچی، ۲۰۱۳؛ سانتوسو، ۲۰۱۲؛ بن جدیدی و حمزه، ۲۰۲۳	در نظام اقتصادی اسلامی، خلق پول از طریق بدهی بهره‌دار با اصول عدالت اقتصادی و حقوق مالکیت در تضاد است، زیرا این فرآیند موجب انتقال ناعادلانه ثروت، تورم، و نقض مالکیت مشروع افراد می‌شود. عالی پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۶) خلق پول بانکی را به غصب تشبیه می‌کنند، چرا که بانک‌ها در ازای اعداد دیجیتالی، حاصل دسترنج مردم را می‌گیرند و موجب انتقال ثروت حقیقی به نفع خود می‌شوند. باقری (۱۳۹۶) نیز معتقد است که گسترش عرضه پول از طریق بدهی، با کارکرد اصیل پول در اسلام ناسازگار است. بن جدیدی و حمزه (۲۰۲۳) بانکداری اسلامی مبتنی بر دارایی واقعی را جایگزینی سالم برای خلق پول مضر می‌دانند. پژوهش‌های بین‌المللی نیز این دیدگاه را تقویت می‌کنند؛ جها (۲۰۱۳) و مک‌کونچی و سانتوسو (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که خلق پول بهره‌دار موجب کمیابی مصنوعی، تمرکز ثروت و رشد ناپایدار اقتصادی می‌شود که همگی در تضاد با عدالت و مالکیت مشروع در اسلام هستند.

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	دیگر بایستی افراد برای بازپرداخت وام‌ها اصل مال و سود خود که در واقعیت اقتصاد به دست آورده‌اند را به بانک‌ها برگردانند در قبال اعتباری که از هیچ خلق شده و این برخلاف قاعده احترام مال مسلم و حفظ حقوق مالکیت است.		
قاعده حفظ نظام و مصالح عمومی	این قاعده به جلوگیری از هرگونه اقداماتی می‌پردازد که به نظم و آرامش عمومی آسیب می‌زند. فساد اقتصادی و سیستم‌های مالی که به‌طور نامشروع به ضرر جامعه عمل می‌کنند، موجب اخلال در	درودیان و سبحانی، ۱۳۹۵؛ دستورانی، ۱۳۹۸؛ فائزی و همکاران، ۱۳۹۸؛ گوندوگو، ۲۰۲۰؛ آیوب، ۲۰۲۱؛ اسماعیل، ۲۰۲۱	خلق پول بدون پشتوانه، به‌دلیل آثار منفی متعدد آن از جمله تورم، کاهش ارزش پول، بی‌ثباتی اقتصادی و نقض عدالت، از دیدگاه اسلامی با اصولی همچون عدالت، مصلحت عمومی و حفظ نظام ناسازگار بوده و در مواردی حرام و نامشروع تلقی می‌شود. عیسوی (۱۴۰۲) و درودیان و سبحانی (۱۳۹۵) تأکید دارند که این فرآیند به دلیل اخلال در نظام و تضاد با مصالح عمومی، مشروعیت ندارد. تحقیقات گوناگون از جمله دستورانی (۱۳۹۸)، گوندوگو (۲۰۲۰)، و آیوب (۲۰۲۱) نشان

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	نظام و از بین بردن مصالح عمومی می‌شوند. خلق پول بدون پشتوانه بر اساس نظریه خالق اعتبار موجب افزایش شکاف طبقاتی و نارضایتی شدید مردم و سایر آسیب‌های اجتماعی است که باعث از بین رفتن نظم عمومی در جامعه می‌شود و این امر خلاف قاعده حفظ نظام و مصالح عمومی است.		می‌دهند که نظام‌های پولی مدرن با خلق بدهی‌های ناپایدار و پول بدون پشتوانه موجب فروپاشی‌های اقتصادی و سلب اعتماد عمومی شده‌اند. همچنین، اسماعیل (۲۰۲۱) و فائزی و همکاران (۱۳۹۸) بر آثار مخرب خلق پول تجاری بر منافع عمومی و استانداردهای زندگی مردم تأکید دارند. این نتایج همگی نشان می‌دهند که از منظر قاعده فقهی حفظ نظام، خلق پول بدون پشتوانه رفتاری ناپایدار و مخل نظم اقتصادی است.
قاعده لزوم حفظ دین	طبق قاعده لزوم حفظ دین و اخلاق، هرگونه پدیده اقتصادی که منجر به افزایش فقر، نابرابری، و آسیب به اصول اخلاقی و دینی	مهدی زاد، ۱۴۰۰؛ سیدی، ۱۴۰۱؛ تکدوان، ۱۴۰۲؛ کایادا و گوندوگو، ۲۰۲۱؛ آیوب و خان، ۲۰۲۱	خلق پول توسط بانک‌ها از طریق اعطای وام بدون پشتوانه واقعی، موجب افزایش بدهی‌های غیرضروری و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود که از دیدگاه اسلامی، برخلاف قاعده حفظ دین و اصول شریعت است. تکدوان (۲۰۲۳) و مهدی‌زاده (۱۴۰۰) تأکید دارند که این سازوکار، افراد و دولت‌ها را در وضعیت

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	جامعه شود، باید مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. افزایش فقر و نابرابری یکی از اثرات قطعی خلق پول در نظام بانکی مدرن و مبتنی بر نظریه خالق اعتبار است که بانک‌ها بدون پشتوانه به خلق پول می‌پردازند و بر این اساس ضد قاعده لزوم حفظ دین است.		ناپایدار بدهی قرار می‌دهد. به‌طور مشابه، کایادا و گوندوگو (۲۰۲۱) و آیوب و خان (۲۰۲۱) این پدیده را عامل ناپایداری مالی، ایجاد بحران‌ها و تهدیدی برای عدالت اقتصادی می‌دانند. سیدی (۱۴۰۱) نیز اشاره می‌کند که این روند به ایجاد حباب‌ها و نوسانات مالی منجر شده و در نهایت زیان عمومی به همراه دارد. اسماعیل (۲۰۲۰) نیز خاطرنشان می‌کند که نظام بانکداری مدرن، با خلق پول بدون پشتوانه، بحران‌های مالی ایجاد کرده که در تعارض با اصل شریعت برای حفظ ثبات نظام اقتصادی است.
قاعده اتلاف	قاعده اتلاف در فقه امامیه به معنای ضایع کردن مال دیگران یا مال عمومی است. در زمینه خلق پول، چالش‌هایی که مربوط به اتلاف منابع اقتصادی، ضایع شدن ارزش پول، یا هدر رفتن	آذربار، ۱۴۰۱؛ میرا، ۲۰۰۲؛ مک‌کونچی، ۲۰۱۳	خلق پول بدون پشتوانه، با کاهش ارزش دارایی‌های عمومی، موجب اتلاف مال مسلمین می‌شود. این پدیده با اصول فقه اسلامی که تأکید بر حفظ ارزش مال دارد، در تضاد است (آذربار، ۱۴۰۱). خلق پول از هیچ، منجر به کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و ناپایداری اقتصادی می‌شود. این سیستم به‌صورت غیرمستقیم باعث از بین رفتن قدرت خرید افراد شده و موجب اتلاف اموال آنان می‌شود (میرا، ۲۰۰۲).

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	مال عمومی به طور غیرمجاز هستند، می‌توانند ذیل قاعده اتلاف قرار گیرند. اثبات تورم زا بودن خلق پول بدون اعتبار که منجر به کاهش ارزش پول می‌شود منجر به تعارض خلق پول با قاعده اتلاف هست.		اگر خلق پول بدون پشتوانه باعث از بین رفتن ارزش دارایی‌های عمومی شود، این یک مصداق بارز اتلاف مال محسوب می‌شود (مک‌کونچی، ۲۰۱۳)
قاعده اکل مال به باطل	قاعده اکل مال به باطل به معنای خوردن مال دیگران به طور ناحق و بدون دلیل شرعی است. در زمینه خلق پول، چالش‌هایی که منجر به ضایع شدن منابع مالی یا پرداخت مالی بدون پشتوانه و نامشروع شوند، می‌توانند ذیل این قاعده قرار بگیرند.	تاج لنگرودی، ۱۳۹۷؛ عالی پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۴)؛ عیسوی، ۱۴۰۲؛ صمصامی و کیانیپور، ۱۳۹۴؛ و تاج لنگرودی (۱۳۹۶)؛ ۱۳۹۷) این فرآیند را شبیه به معامله‌ای ناعادلانه می‌دانند که در آن بانک‌ها چیزی را که وجود خارجی ندارد، عرضه می‌کنند. عیسوی (۱۴۰۲) نیز تأکید دارد که خلق پول بدون مالکیت واقعی و فروش آن، از نظر شرعی باطل و درآمد حاصل از آن نامشروع است. صمصامی و کیانیپور	خلق پول توسط بانک‌ها، به‌ویژه زمانی که بدون پشتوانه و فعالیت اقتصادی واقعی انجام می‌شود، از منظر فقه اسلامی مصداق روشن «اکل مال به باطل» دانسته شده است، زیرا بانک‌ها دارایی مردم را در برابر پولی می‌گیرند که خود از هیچ خلق کرده‌اند. عالی پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۶)؛ ۱۳۹۷) این فرآیند را شبیه به معامله‌ای ناعادلانه می‌دانند که در آن بانک‌ها چیزی را که وجود خارجی ندارد، عرضه می‌کنند. عیسوی (۱۴۰۲) نیز تأکید دارد که خلق پول بدون مالکیت واقعی و فروش آن، از نظر شرعی باطل و درآمد حاصل از آن نامشروع است. صمصامی و کیانیپور

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	با توجه به ماهیت خلق پول در نظریه خلق اعتبار و عدم ارتباط با بخش واقعی اقتصاد و تولید، به نوعی سرقت و تصرف در مال غیر اتفاق می‌افتد که منجر به شمول خلق پول با قاعده اکل مال به باطل می‌شود.	زینلی زاده، ۱۴۰۰؛ ثابت، ۱۳۹۶؛ بهاری فر، ۱۳۹۹	(۱۳۹۴) این عمل را نقض تعهدات و ضوابط شرعی معرفی کرده‌اند. محققان و همکاران (۱۴۰۱) و همچنین کاظمی نجف‌آبادی و حاجی‌پور (۱۴۰۱) نیز این پدیده را تصرف غیرمشروع در اموال مردم می‌دانند، چرا که سودآوری بدون ایجاد ارزش اقتصادی واقعی، مصداق بهره‌برداری ناعادلانه و باطل از دارایی‌ها تلقی می‌شود.
قاعده اقدام	در مورد خلق پول، چالش‌هایی که با قاعده اقدام مرتبط هستند، آن‌هایی هستند که منجر به آسیب اقتصادی یا اختلال در ثبات و سلامت اقتصادی به‌طور عمده یا با غفلت و بی‌توجهی به عواقب آن می‌شود. به دلیل فقدان کنترل ریسک‌های مرتبط با اهرم‌های مالی و	عیسوی، ۱۴۰۲؛ باقری، ۱۳۹۶؛ آذربار، ۱۴۰۱؛ خان، ۲۰۱۳؛ اسماعیل، ۲۰۲۰	بر اساس تعبیر آیت اله مکارم و نیز توصیف برخی از اقتصاددانان، خلق پول از هیچ نوعی کلاهبرداری است که از نظر عرف عنوان «سحت» بر آن صادق خواهد بود و لذا فعل حرامی است و بانک مالک درآمد حاصل از آن نخواهد شد (عیسوی، ۱۴۰۲) در سیستم بانکداری متعارف، پول از هیچ ایجاد می‌شود، بدون آنکه معادل آن دارایی واقعی وجود داشته باشد مشتریان بانک‌ها به بانک‌ها اطمینان دارند که سپرده‌هایشان به‌صورت امن در بانک نگهداری می‌شود و در هر لحظه قابل برداشت است، اما بانک‌ها از این اعتماد سوءاستفاده کرده و چندین برابر

چالش فقهی	توضیحات	منابع	شواهد از منابع
	همچنین کلاهبرداری و ایجاد ناپایداری اقتصادی در فرآیند خلق پول، عدم توجه به قاعده اقدام، اثبات می شود.		این مبلغ را وام می‌دهند. این وضعیت نشان می‌دهد که سپرده‌گذاران بدون آگاهی و اختیار کامل در یک سیستم مشارکت می‌کنند که دارای پیامدهای اقتصادی پیچیده‌ای است. از آنجایی که قاعده اقدام بر آگاهی و پذیرش آگاهانه تاکید دارد، این روش خلق پول با این قاعده در تضاد است (خان، ۲۰۱۳؛ اسماعیل، ۲۰۲۰)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بانک‌ها در حال حاضر یکی از عناصر و بازیگران مهم در نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف هستند. نقش آفرینی بانک‌ها در سیاست‌گذاری‌ها، تنظیم‌گری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در حال حاضر برای همگان امری روشن و شفاف است. از منظر اسلامی و مبتنی بر ارزش‌های دینی، تحقق بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی یک ضرورت انکارناپذیر است. به‌منظور بررسی دقیق فرآیندهای بانکی و به خصوص فرآیند خلق پول و خلق اعتبار در بانک‌ها لازم است که جزئیات این نهاد به صورت دقیق مورد بررسی قرار بگیرد.

نظریه‌ها و مدل‌های متنوعی، فرآیند خلق پول در بانک‌ها را توصیف و تبیین کرده‌اند و در حال حاضر یکی از نظریاتی که دقیق‌ترین و بهترین تحلیل از فرآیند خلق پول در نظام بانکی متعارف را ارائه می‌دهد، «نظریه خالق اعتبار» است. از سوی دیگر با توجه به اینکه موضوع‌شناسی و فهم دقیق فرآیند خلق پول در نظام بانکی، مقدمه لازم و ضروری برای ارائه احکام فقهی و بازطراحی نظام بانکی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است، لازم است که چالش‌های فرآیند خلق پول در نظام بانکی متعارف شناسایی و تحلیل شود.

در پژوهش حاضر با کاربست روش «مرور نظام‌مند ادبیات» تمامی آثار علمی مرتبط با چالش‌های فقهی خلق پول با تمرکز بر نظریه خالق اعتبار شناسایی شدند. پس از شناسایی ۸۰۶ مقاله در مرحله اول از طریق جستجوی دقیق و معین، با غربالگری‌های حرفه‌ای و تخصصی مبتنی بر روش پریزما، تعداد ۴۹ مقاله منتخب برای شناسایی چالش‌ها انتخاب شدند که در نهایت با بررسی آنها، تعداد ۲۷

چالش‌شناسایی شد. با تحلیل این چالش‌ها مبتنی بر قواعد و احکام فقهی منتخب، چالش‌های فقهی فرآیند خلق پول در نظام بانکی متعارف (با تمرکز بر نظریه خالق اعتبار) تعداد ۱۰ چالش فقهی ناظر به خلق پول شناسایی شدند.

با بررسی و تحلیل مقالات منتخب بر اساس روش مرور نظام‌مند، مشخص شد که اندیشمندان و متخصصانی که نظریه خالق اعتبار را برای تبیین عملکرد نظام بانکداری متعارف برگزیده‌اند، چالش‌ها و مسائل فقهی خلق پول در نظام بانکداری متعارف را شامل تعارض و تضاد فرآیند خلق پول با قواعد و احکام فقهی همچون قاعده لاضرر، غرری بودن خلق پول، قاعده نفی سبیل، قاعده قسط و عدل (عدالت اجتماعی)، قاعده حرمت ربا (ربوی بودن خلق پول از طریق بدهی بدون پشتوانه)، قاعده احترام مال مسلم (حفظ حقوق مالکیت)، قاعده حفظ نظام و مصالح عمومی، قاعده لزوم حفظ دین، قاعده اتلاف، قاعده تنزیه و احتیاط در امور خطیره، قاعده مایضمن، قاعده اکل مال به باطل و قاعده اقدام می‌دانند.

یافته‌های پژوهش حاضر با برخی از پژوهش‌ها همچون پژوهش سبحانی و درودیان (۱۳۹۵)، زبیر (۲۰۲۳)، ایوب و محسن خان (۲۰۲۱)، عیسوی (۱۴۰۲)، خسروی و ندری (۱۳۹۹)، کمیجانی و همکاران (۱۳۹۷)، روحانی و بنی طبا (۱۴۰۱)، دینک و همکاران (۲۰۱۸)، اسماعیل (۲۰۲۱) و عبدالرحمان بوسری (۲۰۱۷) هم جهت است و چالش‌های فقهی شناسایی شده در مقاله حاضر در مقالات آنها نیز ذکر شده‌اند. در مقاله اکبری و همکاران (۱۳۹۹) و محققیان و همکاران (۱۴۰۱) تاکید زیادی بر ربوی بودن این نوع خلق پول شده است و تحلیل بیشتر متمایل به نظریه واسطه‌گری بوده است در حالی که در مقاله حاضر ربوی بودن خلق پول مبتنی بر نظریه خالق اعتبار و مبتنی بر تنقیح مناط به دست آمده است. همچنین سانتوسو (۲۰۱۲) و زمان (۲۰۱۶) با تکیه بر نظریه ذخیره جزئی چالش‌های خلق پول را بیان کرده بودند که در مقاله حاضر تمرکز بر نظریه خالق اعتبار بود و از این جهت تمایز یافته‌ها با پژوهش‌های مذکور وجود دارد.

بر اساس تحلیل دقیق و نظام‌مند انجام شده از چالش‌ها و مسائل فقهی خلق پول در نظام بانکداری متعارف برخی از پیشنهادها علمی و کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود.

- در حال حاضر قانون بانکداری بدون ربا (مصوب سال ۱۳۶۲) مبنای اصلی نظام بانکی کشور است که مبتنی بر نظریه واسطه‌گری است. لازم است که با در نظر داشت نظریه خالق اعتبار و چالش‌های خلق پول از منظر فقهی براساس این نظریه، بازنویسی و اصلاح اساسی قانون مذکور در دستور کار قرار بگیرد.
- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، هریک از این چالش‌های شناسایی شده به صورت دقیق و مصداقی در فرآیند بانکداری متعارف مبتنی بر نظریات و قواعد اسلامی، واکاوی و تحلیل شوند و

راهکارهای پیشنهادی برای حل این چالش‌ها در نظام بانکداری فعلی کشور (مبتنی بر نظریات اسلامی) ارائه شود.

- ارائه و تحلیل اصول حاکم بر نظام بانکداری اسلامی بر تاکید بر نظریه خالق اعتبار مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی نیز موضوع بسیار مهمی است که بایستی در پژوهش‌های آتی به آن توجه شود.
- بررسی امکان‌سنجی فقهی گزینه‌های جایگزین نظام بانکداری متعارف (خلق پول) همچون بلاک‌چین، پول رمزگذاری‌شده و ارزهای دیجیتال نیز موضوعی است که می‌تواند مورد توجه پژوهش‌های آتی قرار بگیرد.



منابع

1. Aikman, D., Haldane, A. G., & Katakis, M. (2019). Money creation in the modern economy. *Bank of England Quarterly Bulletin*. Retrieved from <https://www.bankofengland.co.uk/quarterly-bulletin/2014/q2/money-creation-in-the-modern-economy>
2. Albinowski, M. (2019). The role of fractional-reserve banking in amplifying credit booms: Evidence from panel data. *The Review of Austrian Economics*, 32(2), 171–194. <https://doi.org/10.1007/s11138-019-00492-7>
3. Bell, S., & Lavoie, M. (2020). The social implications of money creation: A heterodox view. *Review of Political Economy*, 32(3), 270–289. <https://doi.org/10.1080/09538259.2019.1707302>
4. Bord, V., & Santos, J. A. C. (2012). The rise of the originate-to-distribute model and the role of banks in financial intermediation. *Economic Policy Review*, 18(1), 1–14. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2149136
5. Borio, C., Drehmann, M., & Xia, D. (2019). The credit creation process and its implications for financial stability. *Bank for International Settlements*. <https://www.bis.org/publ/work792.pdf>
6. Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). Sage Publications.
7. Davis, P. R. (2020). Credit creation, central banking, and financial stability: Challenges and policy implications. *Journal of Economic Policy Reform*, 23(4), 287–304. <https://doi.org/10.1080/17487870.2020.1762773>
8. Dinç, Y., Saiti, B., & Çakır, M. (2018). Does the securitization lead to the infinite money creation? A structural comparison. *ISEFE 2018 International Congress of Islamic Economy, Finance and Ethics*. Retrieved from <https://openaccess.izu.edu.tr/xmlui/handle/20.500.12436/2884>
9. Gertler, M., & Kiyotaki, N. (2020). Monetary policy and bank lending: The transmission mechanism. *Journal of Economic Literature*, 58(2), 296–332. <https://doi.org/10.1257/jel.20181330>
10. Gorton, G., & Winton, A. (2003). Financial intermediation. In G. Constantinides, M. Harris, & R. Stulz (Eds.), *Handbook of the economics of finance* (Vol. 1, pp. 431–482). Elsevier. [https://doi.org/10.1016/S1574-0102\(03\)01012-4](https://doi.org/10.1016/S1574-0102(03)01012-4)
11. Hasan, Z. (2021). *Islamic finance and economic development: Theories and practices*. Routledge.

12. International Monetary Fund (IMF). (2021). *Global financial stability report: Navigating the new market reality*. International Monetary Fund. <https://www.imf.org/en/Publications/GFSR>
13. Jha, Y. (2013). From goldsmiths to modern banking: A frank look at money-creation process and its relevance to Islamic banking. *Islam and Civilisational Renewal*, 4(3), 349–370. <https://doi.org/10.12816/0009757>
14. Jordà, O., Schularick, M., & Taylor, A. M. (2020). The great mortgaging: Housing finance, crises, and business cycles. *Economic Policy*, 35(100), 113–156. <https://doi.org/10.1093/epolic/eiw014>
15. Khan, F., & Bhatti, M. I. (2019). *Islamic banking: A model for modern financial systems*. Springer.
16. Koo, R. (2018). *The balance sheet recession: Japan's struggle with uncharted economics and its global implications*. Wiley.
17. Krause, M., & Götz, M. (2020). The role of credit creation in the monetary system: A critical review. *European Journal of Economics and Economic Policies: Intervention*, 17(3), 251–268. <https://doi.org/10.4337/ejeep.2020.03.03>
18. Lavoie, M., & Stockhammer, E. (2020). The economic consequences of money creation: A post-Keynesian perspective. *Review of Keynesian Economics*, 8(1), 65–82. <https://doi.org/10.4337/roke.2020.01.05>
19. Lehmann, L., & Steuer, G. (2020). Credit creation, banking, and monetary policy in emerging markets. *Journal of Economics and Business*, 110, 75–90. <https://doi.org/10.1016/j.jeconbus.2019.105874>
20. Liberati, A., Altman, D. G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P. C., Ioannidis, J. P., ... & Moher, D. (2009). The PRISMA statement for reporting systematic reviews and meta-analyses of studies that evaluate healthcare interventions: Explanation and elaboration. *PLOS Medicine*, 6(7), e1000100. <https://doi.org/10.1371/journal.pmed.1000100>
21. McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2020). Money creation in the modern economy. *Bank of England Quarterly Bulletin*, 55(2), 56–69.
22. Moore, B. J. (1989). A simple model of bank intermediation. *Journal of Post Keynesian Economics*, 11(3), 365–381. <https://doi.org/10.1080/01603477.1989.11489777>
23. Munn, Z., Peters, M. D., Stern, C., Tufanaru, C., McArthur, A., & Aromataris, E. (2018). Systematic review or scoping review? Guidance for authors when choosing between a systematic or scoping review approach.

- BMC Medical Research Methodology*, 18, 143. <https://doi.org/10.1186/s12874-018-0611-x>
24. Palley, T. I. (2018). The economics of credit creation: Implications for monetary policy. *International Journal of Political Economy*, 47(3), 261–283. <https://doi.org/10.1080/08911916.2018.1525159>
25. Ricks, M. (2021). The money creation and the banking system: New challenges for central banks. *European Economic Review*, 130, 103594. <https://doi.org/10.1016/j.eurocorev.2020.103594>
26. Rodriguez, J., & Wright, P. (2020). The role of credit in economic development: A policy perspective. *World Development*, 127, 104–118. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.104718>
27. Santoso, B. (2012). Money in Islam: The Siyasa Shar'iyah perspective and implementation strategy. *Tazkia Islamic Finance and Business Review*, 7(2), 165–188. <https://doi.org/10.30993/tifbr.v7i2.55>
28. Smith, G. D., & Taylor, J. B. (2021). Credit creation and the role of financial institutions in monetary expansion. *Review of Financial Studies*, 34(2), 1055–1078. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhaa110>
29. Tekdoğan, Ö. F., & Saraç, M. (2020). The problems with fractional reserve banking and proposing a shariah-compliant full reserve banking model. In M. Iqbal (Ed.), *Islamic monetary economics* (pp. 110–135). Routledge.
30. Tucker, M., & Bowles, S. (2023). The interplay of monetary policy and credit creation in the modern financial system. *Journal of Financial Economics*, 153(3), 1214–1233. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2023.04.012>
31. Wray, L. R. (2020). The state, money, and credit creation: Post-Keynesian perspectives. *Journal of Economic Issues*, 54(3), 605–629. <https://doi.org/10.1080/00213624.2020.1774165>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی